

تراژدی

جنگ، سیل، ویرانی

چرا اعضای صلیب سرخ جهانی و هلال احمر نباید مورد هدف قرار گیرد؟

جنگ هم قانون دارد ۲

راوی مشاهدات امدادگران و مستندسازان ایرانی از سیل لیبی

فقط مرگ حریف

این دعوا شد ۴

هلال احمر چه وظایفی در قبال کمک‌های جمع‌آوری شده در بحران‌ها دارد؟

به رسم جهان پهلوان تختی؟ ۶

بررسی نقاط قوت و ضعف امداد در مناطق زلزله‌زده افغانستان

زندگی در روستاهای

نیمه جان «زننده جان» ۸





چرا اعضای صلیب سرخ جهانی و هلال احمر نباید مورد هدف قرار گیرد؟

جنگ هم قانون دارد

آیا همه آنچه که چتر حمایتی غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است ماحصل اقدام انسان دوستانه یک تاجر سوئیسی است؟ اگر آری بگوییم، نوعی ساده‌انگاری است. واقعیت این است که مردم و حتی دولت‌های جنگ طلب جهان پس از جنگ جهانی به این واقعیت رسیده بودند که جنگ هم باید قانون داشته باشد...

می‌کنند. باید از آنها محافظت شود تا قادر به محافظت از مردم باشند. از هر طرف شاهد رنج و آلام افراد هستیم. مرگ یک فرزند، یکی از والدین و یا خواهر و برادر فارغ از اینکه کجا و یا برای چه کسی رخ می‌دهد، یک تراژدی انسانی است. باید از زندگی یک شهروند غیرنظامی محافظت شود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه به محافظت از انسانیت پرداخته و باید رعایت شود. این حقوق، خط مشی ما برای حصول اطمینان از این موضوع است که بشریت در اولویت قرار دارد. امروز داوطلبان و کارمندان هر روز در حال به خطر انداختن جان خود برای نجات دیگران هستند.

متأسفانه آمبولانس‌ها مورد اصابت قرار گرفته اند که منجر به کشته شدن چهار نیروی اورژانس جمعیت هلال احمر فلسطین شد که در حال امدادرسانی به نیازمندان بودند.

نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر همچنین بابت حمله غم انگیزی که در تاریخ ۱۷ اکتبر به بیمارستان ال اهلی در شمال غزه شد، نگران است. بیمارستان‌ها مکانی برای کمک و پناه بردن هستند و باید به هر قیمتی از آنها محافظت شود. این نه تنها یک الزام اخلاقی، بلکه یک الزام قانونی است. بیمارستان‌ها باید پناهگاهی برای همه مردم باشند، بیمارستان‌ها باید برای همه یک پناهگاه و منطقه محافظت شده از جنگ به

و مستضعفان درست نشد. اولین، اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین وظیفه این نهضت و اولین رسالت جمعیت‌های ملی صلیب‌سرخ یا هلال احمر کمک به غیرنظامیان، آوارگان جنگ‌ها و حقوق اسرا است.

«حقوق جنگ» مبانی مستحکم، مصوب و جهان شمولی دارد که در دهه‌هاست استخوان ترکانده، رشد کرده و به قوانین صریح تبدیل شده است.

امروز اما اتفاقی تکان‌دهنده در حال رخ دادن است که نه فقط مردم فلسطین و غزه، بلکه همه مردم دنیا را شوکه کرده است چون رژیم غاصب، بیمارستان‌ها، مدارس و تعداد زیادی ساختمان مسکونی را بمباران می‌کند و سردمداران حقوق بین‌الملل و پرچم‌داران امضای قوانین حقوق جنگ در کمال ناباوری از آن جنایتکار حمایت می‌کنند.

فاجعه‌ای که هر روز در حال تکرار است

نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر شاهد فاجعه انسانی است که از ماه گذشته در غزه آغاز شده است. شهروندان و غیر نظامیان از جمله زنان و کودکان، سالخورده‌گان و بیماران هم اکنون بیشترین بهای جنگ را می‌پردازند. داوطلبان از ترک مکان و نجات افرادی که به آنها بیشترین نیاز را دارند، امتناع

رضا واعظی زاده، زهرا توکلی ادیب | بگذارید از اینجا شروع کنیم. از خلقت صلیب سرخ. هانری دونان بنیانگذار نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر است و نام او در تاریخ بشریت ماندگار شده است.

این تاجر سوئیسی اندکی پس از روزهای اوج جنگ سولفرینو از این منطقه کشور ایتالیا عبور کرد. جنگی که در ۱۸۵۹ بین فرانسه و پروس در کینز و ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا از سوی دیگر رخ داده بود. وضعیت وخیم زخمی‌ها و اوضاع نابسامان آوارگان و غیر نظامیان او را به این فکر فرو برد که بشر باید فکری به حال مردم جنگ زده کند و کار آنقدر بالا گرفت که بالاخره ۹۰ سال بعد و در اگوست ۱۹۴۹ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تصویب شد.

جنگ که اوج بی‌نظمی، تخریب، کشتار و خونریزی است باید قواعد در دل بی‌قاعدگی خود داشته باشد. این نتیجه نیاز بشر و فهم همه حاکمان جنگ طلب بود. چون در نمادهای اومانیتی عصر روشنگری، جان انسان عزیز شده بود و این فهم بشری موجب استقبال جهان از کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو و پس از آن پروتکل‌های الحاقی شد.

پس صلیب سرخ و هلال احمر در ابتدای تشکیل خود برای امدادرسانی در سیل، زلزله و داروخانه داری یا کمک به محرومان



بالاترین قیمت

در بیانیه مشترکی در ۱۴ اکتبر، جاگان چاپاگین، دبیر کل IFRC و رابرت ماردینی، مدیر کل ICRC گفتند که آنها "از دیدن بدبختی انسانی که آشکار شده است متحیر شده‌اند" و "غیر نظامیان - از جمله زنان و کودکان، سالمندان، و مجروحان و بیمار - در حال حاضر بالاترین قیمت را پرداخت می‌کنند. در این بیانیه آمده است: «رنج بشری از همه طرف در حال وقوع است. و همیشه ویرانگر است. مرگ یک پسر یا دختر، یک خواهر یا برادر، یک والدین، یک تراژدی انسانی است، مهم نیست کجا اتفاق می‌افتد یا برای چه کسی اتفاق می‌افتد. زندگی غیرنظامی باید از همه طرف محافظت شود.»

آنها نوشتند: «ما از همه طرف‌ها می‌خواهیم خویشتنداری کنند، به تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه پایبند باشند، و از غیرنظامیان محافظت کنند - که باید هسته اصلی هر کاری باشد که ما انجام می‌دهیم». تسهیل کمک‌های بشردوستانه بی‌طرفانه و بی‌طرف به همه کسانی که تحت تأثیر خشونت قرار گرفته‌اند.

هیئت مدیره IFRC، که شامل رهبران جامعه ملی از تمام نقاط جهان است، همچنین در بیانیه ای ویژه که در ۲۰ اکتبر منتشر شد، شوک و وحشت خود را از "نیازهای فزاینده بشردوستانه و تلفات فزاینده زندگی" ابراز کرد.

در ادامه بیانیه آمده است: «این وضعیت بر اهمیت حیاتی دسترسی به همه غیرنظامیان، از جمله گروگان‌ها تأکید می‌کند». ما از همه طرف‌های درگیر می‌خواهیم که ایمنی و رفاه غیرنظامیان را در اولویت قرار دهند و متعهد به تضمین دسترسی سریع، ایمن و بدون مانع، از جمله باز کردن گذرگاه مرزی رفح، برای سازمان‌های بشردوستانه برای ارائه کمک‌های بشردوستانه ضروری و تضمین حفاظت شوند. »

سرزمین‌های فلسطین اشغالی

از آنجایی که وضعیت بشردوستانه در نوار غزه وخیم تر شده است - با رسیدن کمک‌های بشردوستانه اندک به جوامع آسیب دیده - تیم‌های هلال احمر فلسطین به طور شبانه روزی در شرایط بسیار سخت و خطرناک برای ارائه کمک‌های اضطراری حیاتی از جمله آمبولانس و خدمات بهداشتی کار می‌کنند. در حال حاضر، چندین داوطلب PRCS در تشدید خشونت کشته شده‌اند. در همین حال، کمبود شدید نیازهای اساسی حیاتی مانند سوخت، آب و غذا وجود دارد، در حالی که تجهیزات پزشکی در حال اتمام است. برخی از کمک‌های بشردوستانه سرانجام به غزه رسیده اما در مقایسه با نیازهای عظیمی که وجود دارد، این فقط یک قطره در اقیانوس است.

فلسطینی در خاور نزدیک اعلام کرد که قریب به ۱۷۵ هزار و ۵۰۰ آواره داخلی در ۸۸ مدرسه این سازمان در سراسر غزه پناه گرفته‌اند. در این بیانیه آمده است: «با تداوم حملات هوایی از سوی نیروی هوایی اسرائیل، تعداد افرادی که بدنبال پناه هستند، افزایش می‌یابد.»

کارکنان این آژانس به طور شبانه‌روزی برای پاسخگویی به نیازهای آوارگان در پناهگاه‌ها کار می‌کنند. با این حال، برخی از آنها بیش از حد مشغول هستند و دسترسی محدودی به غذا، سایر اقلام اساسی و آب آشامیدنی دارند.

اسرائیل / درگیری غزه: پاسخ ناکنون

تشدید شدید خصومت‌ها در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی اشغالی باعث شده است میلیون‌ها نفر در ترس زندگی کنند، خدمات حیاتی که مردم برای بقا به آن تکیه می‌کنند قطع شود و خانواده‌های دو طرف در غم از دست دادن عزیزانشان غمگین شوند. در میان کشته شدگان، کمک‌های بشردوستانه و کارکنان بهداشتی که در تلاش برای نجات دیگران جان خود را از دست دادند، و همچنین افرادی که به دنبال ایمنی و مراقبت در مراکز بهداشتی بودند، هستند.

انجمن‌های ملی عضو IFRC در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطینی اشغالی بلافاصله برای ارائه کمک‌های نجات جان و سایر خدمات ضروری واکنش نشان دادند. در همین حال، IFRC از انجمن‌های ملی خود در کارشان حمایت می‌کند.



حساب آیند که در آن پرسنل درمان و شهروندان به طور یکسان در امان باشند.

این رویدادی غم‌انگیز است که نیروهای سازمان‌های بشردوستانه و کادر پزشکی در خطر هدف قرار گرفتن قرار دارند و نهضت همدردی صمیمانه خود را با خانواده، دوستان و همکاران آنها اعلام می‌نماید و یکبار دیگر بر حفاظت از نیروهای بشردوستانه تأکید می‌کند.

این جنبش متعهد است که به ارائه حفاظت و امداد نجات بخشی به مردمی که از وحشت خشونت‌های جاری رنج می‌برند، ادامه دهد. برای این کار سازمان‌های بشردوستانه باید دسترسی به انجام فعالیت برای کاهش آلام بشری و رنج فزاینده انسانی داشته باشند.

بحران حقوق بشری در غزه مصیبت بار و فاجعه برانگیز است. با بیمارستان‌هایی پر از بیمار و داروهای در حال اتمام و کمبود شدید سوخت، آب و مواد غذایی، ما به همه توصیه اکید داریم که محدودیت‌ها را اجرا کنند، خویشتن‌دار باشند، به حقوق بشر پایبند بوده و از شهروندان محافظت کنند. ما بیش از این نمی‌توانیم به اهمیت این موضوع تأکید کنیم. زندگی شهروندان باید محافظت شود. بیمارستان‌ها، دکترها و پرستاران باید مورد محافظت قرار گیرند؛ و بیایید به خاطر داشته باشیم که حتی جنگ نیز قانون خود را دارد و به همه بگویید که کادر درمان و نیروهای داوطلب، هدف نیستند.

حمله اسرائیل به مقر جمعیت هلال احمر فلسطین در غزه

در پی تداوم درگیری‌ها و حمله اسرائیل به مقر جمعیت هلال احمر فلسطین در شمال نوار غزه، چهار امدادگر کشته شدند. این حمله نقض مستقیم قوانین بین‌المللی است.

فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در ژنو بیان داشت "در دو عملیات مختلف، آمبولانس‌ها مورد اصابت قرار گرفتند و چهار امدادگر جمعیت هلال احمر فلسطین که در حال امدادسانی به نیازمندان بودند، کشته شدند."

قوانین بین‌المللی از افرادی که لباس‌هایی با نشان‌های حفاظتی نهضت به تن دارند و ساختمان‌ها و وسایل حمل و نقلی که آنها را به نمایش می‌گذارند، محافظت می‌کند. این افراد بخشی از یک درگیری نیستند - آنها فقط برای یاری رساندن به افرادی نیازمند کمک آنجا هستند.

وضعیت انسانی در غزه که پیش از این به دلیل محاصره اسرائیل وخیم بود، در حال بدتر شدن است. وزارت بهداشت غزه اعلام کرد که تمام تخت‌های بیمارستانی در این منطقه اشغال شده، تمام داروها مصرف شده و تجهیزات پزشکی در حال اتمام است. تعداد شهدای حمله رژیم غاصب صهیونیستی در نوار غزه امروز به ۸ هزار نفر رسیده است که حدود نیمی از آنها کودکان و زنان بوده‌اند.

بیش از ۱۸۰ هزار فلسطینی در نوار غزه هم‌اکنون در پناهگاه‌های سازمان ملل متحد هستند.

۱۱ فعال آژانس پناهندگان سازمان ملل در غزه کشته شدند آژانس امدادسانی و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک طی بیانیه‌ای اعلام کرد: "ما با تأسف و تأثر بسیار، کشته شدن ۱۱ نفر از همکارانمان از تاریخ ۷ اکتبر در نوار غزه را تأیید می‌کنیم." این سازمان مشخص نکرد که آنها پرسنل فلسطینی یا خارجی هستند، اما گفت که این تعداد شامل پنج معلم در مدارس این آژانس، یک متخصص زنان، یک مهندس، یک مشاور روانشناسی و سه کارمند پشتیبانی می‌باشند.

در این بیانیه آمده است: "برخی در خانه‌های خود با خانواده هایشان کشته شدند و آژانس امدادسانی و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در غم فقدان این افراد شریک است."

همچنین، آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد برای آوارگان



در آغاز فصل سرما و بالا رفتن احتمال جاری شدن سیل در برخی مناطق کشور، راوی مشاهدات امدادگران و مستندسازان ایرانی از سیل ویرانگر لیبی هستیم:

فقط مرگ حریف این دعوا شد

این از خصوصیات جمعیت هلال احمر است که در هر بحرانی، آماده به خدمت و امدادرسانی باشد. بعد از وقوع سیل لیبی، این امدادگران بودند که برای کمک به هم‌نوع شتافتند. همان زمان هم، سیلی در آستارا به وقوع پیوست؛ امدادگران اما آماده به خدمت و کمک بودند.

سیل و همبستگی

محمد جوادزاده - عکاس اعزامی به لیبی | احتمالا کمتر کشوری را بشناسید که همزمان دو دولت رقیب به طور همزمان در آن حکمرانی می‌کنند و نزدیک به ۱۷۰۰ گروهک هم، خود را مستقل از این دو دولت می‌دانند؛ کشوری که کمی از ایران خودمان بزرگتر است اما جمعیتش تقریباً یک دهم جمعیت ایران است. جزء ۱۰ کشور اصلی صادر کننده نفت در دنیا است؛ اما ۷ درصد از جمعیت ۷ میلیون نفری آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ۹۰ درصد این کشور را بیابان فراگرفته که غیرعهده‌ای قبیله بیابان‌گرد بدوی هیچ انسانی در آن زیست نمی‌کند. کشوری همواره درگیر اختلاف‌های سیاسی؛ کشور لیبی. شاید مهمترین خطرهای که مردم ایران از لیبی دارند فیلم شیر صحرا یا همان عمر مختار خودمان باشد که با آن بازی درخشان آنتونی کوپین و کارگردانی مصطفی عقاد که بیشتر برای فیلم محمدرسول‌الله می‌شناسیمش و آن سکانس پایانی که لحظه به دار آویختن عمر مختار و اتحاد مردم برای عقب راندن نیروهای ایتالیا برای برداشتن جسد عمر مختار است به یاد داشته باشیم؛ اما آن چه که ما از لیبی بیشتر می‌شناسیم لحظه‌ای است که دیکتاتور لیبی معمر قذافی با آن حال نزار به دور از آن ابهت فرمانروایی‌اش و بدون آن محافظان جنجالی خود

به دست انقلابیون افتاد و کشته شد.

سفر من از آنجایی آغاز شد که بارانی شدید تقریباً معادل دو سال بارندگی تهران در عرض ۶ ساعت شهر درنه را فرا می‌گیرد و منجر به شکسته شدن دو سد می‌شود و سیلی مهیب، به راه می‌اندازد. سیل آنقدر قدرت داشت که در مسیرش ۲۵ درصد از شهر را با خود می‌شوید و به دریا می‌ریزد. شهری ۷۰۰ هزار نفری درنه بعد از این سیل، ۲۰ هزار نفرش را از دست داده بود. این برآوردی است که مسئولان شهر از این فاجعه طبیعی داشتند. قسمتی از شهر که پرتراکم نیز بود چون بستر رودخانه‌ای خشک درآمد. میزان تلفات آنقدر بالا بود که وقتی در محل‌های آسیب‌دیده حرکت می‌کنید می‌توانید بوی جسد فاسد شده را به وضوح استشمام کنید. پس از سیل دو دولت اصلی و گروهک‌های فعال با هم به آشتی می‌رسند که تا به آرامش رسیدن شهر دست به هیچ فعالیتی علیه هم نزنند ظاهراً فقط مرگ است که می‌تواند انسان‌ها را به صلح برساند.

از سیل که روایت این سفر است دور نخواهیم شد. من به همراه کمک‌های بشردوستانه که ایران برای مردم سیل‌زده لیبی طبق قوانین جهانی صلیب سرخ فرستاده بود به فرودگاه بنغازی رسیدم. در ابتدا یکی از دو وزیر خارجه کشور لیبی برای دریافت و تشکر از دولت ایران به فرودگاه آمد و بار را تحویل گرفت و ما

راهی شهر درنه برای کمک‌رسانی به مردم غلام شدیم در طول مسیر اسکورتنی نظامی نزدیک به ۱۰ خودرو نظامی تا دندان مسلح، ما را به درنه رساندند. خودروهایی که میان درخت‌ها مجاله شده بودند و این نشانه‌ها هرچه به نزدیکی درنه می‌رسیدیم، بیشتر می‌شد؛ اما وقتی به خود درنه می‌رسی، دیدن صحنه‌های آخرالزمانی آغاز می‌شود؛ اگر فیلم ۲۰۱۲ رولاند امریچ را خاطرتان باشد وقتی که جان کوزاک متوجه وضعیت در حال وقوع شده و با آن لیموزین شروع به فرار می‌کند، شهری آشوب‌زده، پر از ترافیک‌های سنگین و مردمی در حال رفت‌وآمد را می‌بیند که بی‌شبهات به درنه نبود. البته نه آنقدرها هم هالیوودی. من بارها در ایران هنگام سیل‌ها و زلزله‌ها در شهرهای مختلف شاهد چنین صحنه‌ای بودم. یاد می‌آید هنگام ورود به شهر آدیامان در ترکیه پس از زلزله هولناکش، شهر به این شکل درآمده بود؛ اما این بار تفاوت‌هایی داشت. نظمی که حاصل از وجود یک حاکمیت یک دست، ممکن بود به دست آید، کمتر دیده می‌شد. ما با نظامیانی با لباس‌های متنوع رودرو می‌شدیم که دقیقاً نمی‌دانستیم برای چه ارگانی هستند، گاهی شبه‌نظامی و ارتشی تا دندان مسلح و گاهی پلیسی که با یک یونیفرم سفیدرنگ و صندل در پا سعی می‌کرد خودروها را به مسیر درست هدایت کند.



شهر درنه بیشترین آسیب را متحمل شده بود چراکه، دو سد آبی واقع در این منطقه بر اثر طوفان شکسته شده بود. سیل در یک منطقه جمعیتی بسیار متراکم اتفاق افتاده بود. طوفان ابتدا کلان‌شهر بنگازی را تحت تاثیر قرار داده و سپس سواحل شرقی لیبی را به سمت شهرهای منطقه جبل الاخضر واقع در شمال شرقی این کشور مانند شهرهای شحات، المرح، البیضا، سوسا و به ویژه درنه درنور دیده بود. طبق آخرین گزارش‌ها شهر ساحلی ورنه که حدود ۱۰۰ هزار نفر در آن زندگی می‌کنند، بیشترین آسیب را از سیل و طوفان اخیر متحمل شده بودند. اغلب مناطق آسیب‌دیده را محله‌های پرجمعیت و متراکم تشکیل می‌دادند که مردم در آن‌ها در مسکن‌های ناامن زندگی می‌کردند و همین مسئله باعث افزایش تلفات شده بود اما باید گفت که بی‌توجهی ساکنان به وضعیت اضطراری و هشدارهایی که از سوی دولت و مسئولان نسبت به وقوع طوفان مدیریت‌های صادر شده بود نیز به این مساله دامن زده بود.

ایلو شین با ۴۰ تن بار شامل چادر، پتو، موکت، مواد غذایی، دستکش لاتکس، ماسک و ... به مقصد بنگازی لیبی حرکت کردیم. حوالی ساعت ۱۰ صبح، وارد فرودگاه بنگازی شدیم که بلافاصله طبق هماهنگی قبلی، محموله توسط چندین تریلی از هواپیما تخلیه و اقدامات قانونی با حضور نظامیان لیبی و نماینده جمعیت هلال احمر لیبی انجام شد. پس از تخلیه بار و طبق هماهنگی، بلافاصله با یک دستگاه مینی‌بوس تویوتا که به‌وسیله جمعیت هلال احمر لیبی تهیه شده بود به سمت شهر سیل‌زده درنه حرکت کردیم و پس از طی حدود ۵ ساعت به این شهر که در نزدیکی ساحل دریاست، رسیدیم. قبل از تاریکی هوا، تیم را به مدرسه‌ای برای اقامت منتقل کردند؛ متأسفانه به دلیل وقوع سیل، برق و آب قطع شده بود. سیل ویرانگر، سدی در بالادست را هم تخریب کرده بود و باعث ویرانی، خسارات و تلفات بسیاری شده بود. خانه‌های مسطح شده، ماشین‌های مدفون در زیر آوار گل و لای، خیابان‌های تخریب شده و ویران، تصاویری بود که از سیل باقی مانده بود.

در مسیر رسیدن به بنگازی تنها در یک جا برای خوردن ناهار توقف کردیم، در رستورانی محلی غذا خوردیم تا راه را ادامه دهیم. ما در مدرسه‌ای که در اختیار تیم‌های امدادی قرار داشت، ساکن شدیم. به غیر از ایران، کشورهای چون ایتالیا، ترکیه، اسپانیا، یونان، عربستان، قطر و امارات نیز به کمک مردم لیبی آمده بودند. وسعت طوفان مدیریت‌های معروف به دانیل به حدی بود که لیبی در همان ساعات اولیه پس از طوفان درخواست کمک بین‌المللی کرد.

چند ماه پیش در ترکیه هم شاهد این همبستگی نیروهای امدادی برای کمک به آسیب‌دیدگان بودم، چیزی شبیه جام جهانی بود اما از جنس بشردوستی. نقطه‌ای که مردم جهان یک بار نه برای جنگیدن که برای یاری رساندن به هم‌نوعشان فارغ از دین، نژاد و مذهب گرد هم می‌آمدند.

مردم به دیده احترام به این گروه‌ها نگاه می‌کردند و بیشترین همکاری را با آنها داشتند.

در لیبی عموم مردم کمتر به انگلیسی صحبت می‌کنند و زبان رسمی‌شان عربی است؛ البته عربی آنها نیز با عرب‌های دیگر نقاط جهان کمی متفاوت است. مقداری سریع‌تر و با کلماتی ناآشنا تر از عربی که می‌شنویم صحبت می‌کنند؛ این موضوع برقراری ارتباط را کمی سخت می‌کرد اما به لطف سیستم ترجمه گوگل و در صورت داشتن اینترنت این معضل هم به راحتی رفع می‌شد.

در قسمتی که سیل به دریا ریخته بود، کشتی نظامی مستقر کرده بودند تا تیم‌های جست‌وجوی دریایی بتوانند از آن نقطه هم به عملیات جست‌وجو بپردازند.

به طور قطع این پایان مسئله سیل لیبی نیست؛ نزدیک به خروج از این شهر که می‌شدم تشنج میان مردم و دولت در اعتراض به عدم رسیدگی به سدها برای مقاوم سازی‌اش بیشتر می‌شد تا جایی که شنیده‌ها حاکی از این بود که مردم درنه علیه این بی‌کفایتی حکومتی دست به تظاهرات زده‌اند و فرمانداری شهر را تصرف کرده بودند. اتفاقی که یادم است چند سال پیش در بیروت نیز پس از آن فاجعه انفجار شاهدش بودم.

روایتی از یک امداد رسانی

سیاوش غلامی - امدادگر اعزامی به لیبی | بامداد روز شنبه ۲۵ شهریور امسال از فرودگاه پارس (فدر) با هواپیمای باری





هلال احمر چه وظایفی در قبال کمک‌های جمع‌آوری شده در بحران‌ها دارد؟

به رسم جهان‌پهلوان تختی؟

مرضیه باغستانی | این رسم مردم مهربان و نوع‌دوست ایران است که دلشان می‌تپد برای کمک به هم‌نوع؛ فرقی هم ندارد که در چارچوب جغرافیایی یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ مترمربعی ایران زندگی می‌کند و یا نه، به زبان پشتو، ترکی، انگلیسی و یا عربی حرف می‌زند و یا ایرانی‌ها مهربانانه، کمک خود را چه نقدی و غیرنقدی می‌دهند اما این که از چه طریقی و از کدام درگاه کمک‌ها به دست افراد بحران‌زده برسد، مهم است. حافظه تاریخی مردم، در برخی از بحران‌ها مانند آنچه که در زلزله بم، ورزقان و کرمانشاه اتفاق افتاد، اما خیلی هم خوش‌آیند نیست، زمانی که برخی از سلبریتی‌ها خلاف آنچه که از اهداشان بود، کمک‌های جمع‌آوری شده از مردم را در جای دیگری، هزینه کردند. شاید به همین دلیل است که جمعیت هلال احمر ایران، در کنار بسیاری از اقداماتی که انجام می‌دهند، مانند امداد و نجات، پیشگیری و آموزش، در زمان بحران هم در حوزه تجمیع کمک‌های مردمی و بعد رساندن آن‌ها به دست افراد متاثر از بحران، فعالیت می‌کند. قانونی که دولتمردان به عهده جمعیت گذاشته‌اند تا کمک‌ها به دست مستحق واقعی‌اش برسد.

توصیفات درباره این زلزله هم شبیه به زلزله بوئین‌زهر است. زمانی که گفته شد «شهر با خاک یکسان شده است»، «یک شبه شهری نابود شد.» و یا «جنگ در شهر آمده است.» بعد اما روایت دیگری شکل گرفت، حمیدرضا طالقانی الگو برداری کرد و مانند آقاجانی، برای مردم زلزله‌زده بم، جلوی در ورزشگاه شیروودی گلریزان گرفت اما چند سال بعد، برخی‌ها گفتند که کمک‌هایی که طالقانی جمع کرد، در زلزله بم، دیده نشده است. سال ۹۶ اما زلزله بزرگ و مهیب دیگری در کشور اتفاق افتاد و از گله در کرمانشاه، با قدرت ۷٫۳ ریشتر لرزید. آن زمان هم مردم و هم سلبریتی‌ها برای کمک به افراد متاثر از زلزله خودجوش و آتش به اختیار شتافتند. البته، فضای مجازی، کلیپ‌ها و پیام‌های کمک هم دست به دست می‌شد تا زمانی که همه سلبریتی‌های هنری و اجتماعی، هر کدام، شماره کارتی منتشر کردند و بعد تصویر نشان دادند که هر کدام یک وانت‌بار گرفته‌اند برای رساندن کمک‌ها به دست افراد متاثر از زلزله در کرمانشاه و این شروع

کند. خودش هم یک سینی بزرگ در دست گرفت و از سر خیابان عباس‌آباد راه افتاد. مردم به خاطر جایگاه و وجهه پهلوان تختی، سیل کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را روانه کردند. آقاجانی قبل از این اقدام، طی اطلاعیهای آمادگی خود را برای کمک به زلزله‌زده‌ها اعلام و از مردم درخواست کرده بود: «به خواهان و برادران آسیب‌دیده خود به هر نحوی که امکان‌پذیر است مساعدت نمایند.» می‌گویند در چهارراه جمهوری، وقتی جهان‌پهلوان مشغول جمع‌آوری کمک‌های مردمی بود، پیرزنی رهگذر چادرش را برداشت و به تختی داد و گفت: «من فقط همین چادر را دارم...» اشک‌های پهلوان سرازیر شد و مردم هم به گریه افتادند. یکی از روزنامه‌ها نوشت: «پیرزنی بعد از ۶۰ سال به خاطر تختی و برای کمک به زلزله‌زده‌ها کشف حجاب کرد!»

بم، کرمانشاه و حضور پر شور! سلبریتی‌ها برای کمک به مردم
۴۱ سال بعد، زلزله مهیب دیگری در شهرستان بم اتفاق افتاد.

دهمین روز از شهریورماه ۱۳۴۱، زلزله مهیبی منطقه بوئین‌زهر را واقع در استان قزوین را لرزاند. فردای آن روز روزنامه‌ها از کشته و زخمی شدن هزاران نفر خبر دادند. «اطلاعات» نوشت: «زلزله دیشب چند هزار نفر را مقتول و مجروح کرد.» خبرنگار اعزامی این روزنامه از محل حادثه گزارش داد: «من اکنون شاهد مهیب‌ترین و فجیع‌ترین حادثه هستم. کشته‌شدگان و مجروحین آنقدر زیادند که گویی اینجا بمب انداخته‌اند!» همین روزنامه در شماره ۱۲ شهریور خود نوشت: «در بسیاری از دهات مجروحین هنوز در زیر آفتاب و بی‌پناه هستند و صدای ضجه از هر طرف به گوش می‌رسد.» در شرایطی که اوضاع زلزله‌زده‌ها بسیار بد بود، گروه‌های جهادی مردمی شکل گرفتند تا به کمک مردم بشتابند. در این میان اما یک شخصیت مردمی بیش از همه تلاش کرد؛ «جهان‌پهلوان غلامرضا تختی». وقتی خبر زلزله قزوین به تهران رسید، آقاجانی سریع چند نفر از دوستانش را جمع و یک وانت تهیه کرد تا کمک‌های مردمی را جمع‌آوری

حکم قضایی دخالت می‌کند

قائله داشت بالا می‌گرفت و اتفاقات ناخوش‌آیندی را برای اعتماد عمومی و قلب مهربان مردم همیشه دست به کمک ایران ایجاد می‌کرد؛ وحید سلیمی، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال‌احمر در این گفت‌وگو از ۴ سال قبل روایت می‌کند، از سال ۹۸ و زمانی که اتفاقات پیش آمده در زلزله کرمانشاه باعث لطمه به اعتماد عمومی شده بود. او می‌گوید: «در سال ۹۸، قانون مدیریت بحران کشور، تصویب شد. براساس این قانون و طبق بند ب ماده ۴، وظیفه جمعیت هلال‌احمر است که در زمان بحران، کار امداد رسانی، پیشگیری و آموزش را به عهده بگیرد، به جز این، سازمان داوطلبان، بسته به نیاز منطقه می‌تواند دست به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی بزند.» همان زمان، جمعیت هلال‌احمر به عنوان متولی جمع‌آوری کمک‌های مالی انتخاب شد و هر فرد و یا موسسه‌ای در صورتی می‌توانستند، در حوادث برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی اقدام کنند که از جمعیت هلال‌احمر مجوز دریافت کرده باشند. سال ۹۸، در سیل‌های سراسری در کشور؛ از گلستان تا لرستان و خوزستان، این قانون به مرحله اجرا درآمد. تنها متولی جمع‌آوری کمک‌های مردمی؛ جمعیت هلال‌احمر بود و تنها موسساتی می‌توانستند کمک مالی جمع کنند که با جمعیت همکاری کنند. نتیجه سال ۹۸ خوش‌آیند و نظام‌مند بود.

زهره گیتی‌نژاد یکی از آخرین مدرسه‌ساز است که تا به امروز ۵۶۰ مدرسه ساخته است، این قانون شامل حال او هم شده است. او از سال ۹۸ می‌گوید، زمانی که به یکباره حساب مالی موسسه خیریه او مسدود شد: «در ابتدا مسدود شدن حساب‌های ما از منظر عمومی ناخوشایند بود اما پس از راستی‌آزمایی، اعتماد ما نیز به جمعیت هلال‌احمر دو چندان شد و ما نیز از این قانون استقبال کردیم.» او بعدها، در بحران‌های مختلف دست به دست با جمعیت هلال‌احمر برای کمک‌رسانی آماده به خدمت شد.

ماجرا بود؛ چند ماه بعد اما مطالبات مردمی از سلبریتی‌ها شروع شد. زمانی که عید نوروز فرارسیده بود و هنوز بسیاری از مردم، بدون هیچ سقفی بالای سر، عید را در کانکس جشن می‌گرفتند. آب پاکی را آن زمان استاندارد وقت کرمانشاه ریخت روی دست مردم: «کل پولی که چند سلبریتی برای زلزله‌زدگان جمع‌آوری کرده‌اند، حدود ۲۳ میلیارد تومان است که چیزی در حدود ۹۸ درصد در اختیار ۳ نفر از این دوستان یعنی علی دایی، نرگس کلباسی و صادق زیبا کلام است.»

ماجرا آنجایی پیچیده‌تر شد که سرنوشت دقیق و هزینه‌کرد شفاف این پول‌ها هیچگاه، مشخص نشد و هیچ‌کس نمی‌داند که چه اتفاقی برای آن افتاده و برای چه کاری خرج شده است؟ همان زمان، قضاوت‌های مردم درباره پول‌هایی که توسط علی دایی جمع شده است، او را وادار به واکنش در فضای مجازی کرد. دایی در صفحه اینستاگرام خود و در فیلمی کوتاه، گزارشی از کمک‌هایی که به مناطق زلزله زده شده ارائه داد و گفت: «تاکنون ۱۰ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان پول جمع شده که مقدار اندکی از آن صرف خرید چادر و کانکس و ۱۱۵ کامیون به مناطق زلزله‌زده ارسال شده است. قراردادی هم بسته‌ایم با کارخانه‌ای که کانکس تولید می‌کند و هر هفته آن‌ها را برای مناطق زلزله‌زده می‌فرستیم. علاوه بر این جلسه‌ای با دکتر آخوندی داشتیم و به زودی دو روستایی را که قول داده بودیم بسازیم، مشخص می‌کنیم.» صادق زیباکلام هم که به گفته خودش با هماهنگی با بنیاد مسکن و معاون اول رئیس‌جمهور، برای کلنگ زنی دهکده امید به سرپل ذهاب رفته بود با حاشیه‌های تازه‌ای روبه‌رو شد. ماجرا این بود که پس از جمع‌آوری ۴ میلیارد تومان توسط صادق زیباکلام، او برای مراسم کلنگ‌زنی در سرپل ذهاب حاضر شد اما فرماندار جلوی برنامه او را گرفت. اهالی ۳ روستایی که نرگس کلباسی قرار بود، خانه‌های آن‌ها را بسازد هم هیچ‌وقت رنگ خانه‌های خود را ندیدند تا زمانی که چند نفر از کلباسی شکایت قضایی کردند و ورق را درباره فعالیت‌های کلباسی به کلی برگرداندند.



نظارتی همه‌جانبه

همه چیز در سازمان داوطلبان برنامه‌ریزی شده است. همه کمک‌های نقدی و غیرنقدی، به دست مردم حادثه‌دیده می‌رسد. سلیمی، زلزله افغانستان و کمک‌های مالی به مردم جنگ‌زده فلسطین را در همین روزهای اخیر مثال می‌زند و توضیح می‌دهد که بیش از ۶۴ میلیارد تومانی که برای این دو بحران بین‌المللی توسط مردم کمک شده است، با سازوکاری به دست مردم نیازمند می‌رسد. محموله‌های غیرنقدی، با کشتی به دست مردم غزه و یا در قالب کاروان امدادی به دست مردم متاثر از زلزله‌زده افغانستان رسیدند و می‌رسند.



بررسی نقاط قوت و ضعف امداد در مناطق زلزله زده افغانستان و روایت‌هایی شنیدنی از حس و حال حضور کاروان امدادی ایران در هرات

زندگی در روستاهای نیمه جان «زنده جان»

بعد از روز شنبه، ۱۵ مهرماه، دل رنج کشیده‌ی مردم افغانستان را مرهمی نبود. بعد از همان روز که زمین زیر پایشان غرید و دل نازکشان را لرزاند. خراسان بزرگ در ایران هم به لرزه در آمد زمانی که قلب ایالت هرات، ۵، ۶ ریشتر لرزید؛ نه یک بار که چند بار. انگار که غمی ژرف داشت از دل و با آهی از عمق وجود که دلش صاف نمی‌شد با دنیا و مردمانش. برای چند لحظه دنیا خراب شد روی سر مردم و سقف‌شان در چشم برهم زدنی، فروریخت. تلی از خاک، تنها نشانه باقی مانده بعد از زمین لرزه بود؛ ۴۸ ساعت بعد اما به رسم همیشگی همسایگی، بشردوستی و کمک خیر خواهانه، تیم امدادی جمعیت هلال احمر ایران، اولین و تنها گروهی بود که بار و بنه بست برای کمک و قدم گذاشتن در مسیری که مرور نقاط قوت و ضعف آن می‌تواند تجربه و چراغ راهی باشد برای آینده...



روستاها پایان گرفت، ۶ قلاده سگ زنده یاب به کار گرفته شدند و عملیات تا ساعت ۹ شب به پایان رسید. روز نخست حضور امدادگران، با عملیات جست‌وجو خاتمه پیدا کرد، عملیاتی دیگر یعنی عملیات توزیع اقلام و راه اندازی اردوگاه، برای روز بعد در انتظار امدادگران جمعیت هلال احمر بود. مسئول تیم‌های اعزامی امدادگران به هرات، تعریف می‌کند که از روز دوم، کار توزیع اقلام با کمک امدادگران و نجاتگران انجام شد. سجادی توضیح می‌دهد که کار توزیع اقلام با توجه به ویرانی ۱۰۰ درصدی بسیاری از روستاها، بدون فوت وقت، توسط امدادگران انجام شد. حساسیت وقوع زمین لرزه افغانستان به قدری بود که دبیر کل جمعیت هلال احمر، یعقوب سلیمانی، در منطقه حاضر شد. زلزله ۶،۵ ریشتری، باعث جان باختن و مصدومیت بیش از ۲ هزار نفر شده بود و لزوم امدادرسانی در حوزه درمان احساس می‌شد؛ اعلام آمادگی جمعیت هلال احمر ایران برای ارائه خدمات درمانی به مصدومان زلزله نیز به بیمارستان هرات اعلام شد و در همین نقطه بود که بسیاری از مسئولان محلی و دولتی افغانستان، از توجه و کمک جمعیت

توضیح می‌دهد که ۴۸ ساعت پس از وقوع زلزله در افغانستان، پس از اعلام آمادگی جمعیت هلال احمر برای کمک‌رسانی و نظر مثبت طرف افغانستانی، اقدامات اولیه برای اعزام امدادگران و محموله‌های بشردوستانه انجام شد. اقدامات بین‌المللی، موافقت دولتی و صدور مجوز وزارت خارجه از اتفاقات دیگری بود که انجام شد. ۴۸ ساعت بعد، ۶۰ امدادگر جمعیت هلال احمر به همراه ۵۰۰ دستگاه چادر امدادی، یک هزار تخته موکت، ۴ هزار تخته پتو، ۵۰۰ ست ظروف، ۵۰۰ بسته غذایی ۱۰ روزه، به همراه تجهیزات جست‌وجو و نجات، زنده یاب و تیم‌های آنست، ۳ دستگاه وانت آنست، ۶ دستگاه وانت کمک‌دار، ۳ دستگاه آمبولانس و ۵ دستگاه خودروی سنگین، در افغانستان حاضر بودند. روز اول حضور امدادگران، عملیات جست‌وجو در ۸ روستا انجام شد. سجادی می‌گوید: «بسیاری از روستاهای متأثر از زلزله، به تلی از خاک تبدیل شده بودند، خانه گنبدی شکل و با خشت و گل ساخته شده بود و هیچ فردی هم زنده از زیر آوار بیرون نیامد.»

سجادی می‌گوید که خیلی زود، عملیات جست‌وجو و نجات در

همه مردم ایالت هرات، سرشان گرم کارهای روزمره بود که ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه صبح روز شنبه ۱۵ مهرماه، به یکباره زمین زیر پایشان لرزید. زندگی برای بیش از ۵۵۶ هزار جمعیت ایالت پرجمعیت افغانستان، به یکباره به قبل و بعد از این زمان، تقسیم شد. زلزله در این ایالت آن قدر شدید بود که در سه استان خراسان ایران هم احساس شد. از همان ساعات ابتدایی وقوع زلزله، تصاویر دلخراشی از ویرانی در ایالت هرات منتشر شد. روستاهای خشتی و گلی به تلی از خاک تبدیل شده بود. جمعیت هلال احمر ایران هم به رسم همیشگی و والای انسان‌دوستانه خود، در قالب پیامی برای کمک به زلزله‌زدگان اعلام آمادگی کرد. ۴۸ ساعت بعد حدود ۶۰ نفر از امدادگران جمعیت، به همراه کاروانی از کمک‌های بشردوستانه، به سمت کشور همسایه شرقی راهی شدند.

روز دوم حادثه در قلب هرات

حامد سجادی، مسئول تیم‌های اعزامی به کشور افغانستان، از اقدامات جمعیت هلال احمر در ۸ روز امدادرسانی می‌گوید. او



هلال احمر تشکر کردند. پرونده کمک‌رسانی در زلزله افغانستان، بعد از ۸ روز حضور در منطقه، با ارسال کمک‌های بشردوستانه به این کشور ادامه پیدا کرد.

امدادرسانی در شرایط بدون آب، برق و اینترنت

از نظر سجدی، عملکرد جمعیت هلال احمر در کمک‌رسانی به افراد تحت تاثیر زلزله، مثبت بوده است. او یک لیست بلندبالا دارد از این نقاط قوت. از نظر مسئول تیم اعزامی امدادگران

به زلزله افغانستان، اولین نقطه مثبت این بود که جمعیت هلال احمر ایران، تنها گروه جمعیتی بود که برای کمک‌رسانی در افغانستان حاضر شد. پس از آن، گروه‌های خیرخواهانه دیگر هم، حضور یافتند. به اضافه این که جمعیت هلال احمر کشورمان، در مدت زمان اندکی خود را به منطقه رساند و کمک‌رسانی را شروع کرد. با توجه به شرایط زیرساختی که در منطقه زلزله‌زده وجود داشت، استفاده از بی‌سیم‌های ماهواره‌ای و یا استفاده از گوشی همراه، امکان‌پذیر نبود؛ تقریباً هیچ کدام از روستاهای

ویران شده از زلزله، زیرساخت لوله‌کشی نداشتند چه برسد به اینترنت و برق؛ استفاده از بی‌سیم‌های آنالوگ و ارتباط‌گیری از این طریق تنها راهی بود که امدادگران می‌توانستند انجام دهند. از نظر سجدی، شناسایی موقعیت منطقه و به کارگیری امکانات در اختیار، توانست برای ارتباط‌گیری به امدادگران کمک کند. این اما نقاط قوت عملکرد جمعیت هلال احمر نیست؛ ارسال خودروهای امدادی و لجستیک موردنیاز، از دیگر، اتفاقاتی است که در این مأموریت بین‌المللی افتاد.

روز کار دیار پشتوها

درست است که زبان کشور افغانستان پارسی است و چندین سال قبل، افغانستان جزئی از کشور ما بوده، با وجود این اما بروز یک بحران، می‌تواند بیش از هر چیز بر فرهنگ افراد تاثیر بگذارد. این که فرهنگ مواجهه افراد در بحران چیست. آنچه که در زلزله افغانستان روی داده است، مواجهه افراد با این رویداد، مسلماً بی‌تاثیر بر آنچه که بر مردمان دیار پشتوها رفته، نیست. بر تاریخ و فرهنگ مردمی نجیب و برادر.

در میانه اشک و لبخند

محمد شیبانی - امدادگر اعزامی به منطقه زلزله‌زده افغانستان

من همراه با تیم اول اعزامی امدادگران بدم و ۴ روز در منطقه زلزله‌زده حضور داشتم. روز اول، بعد از پایان عملیات جست‌وجو و نجات، در روستای نایب رفیع، زمانی که خورشید در حال غروب بود، به محل اسکان خودمان، به هرات برگشتیم. تقریباً هیچ راه آسفالت شده‌ای در آن منطقه وجود نداشت و راه مالرو، با توجه به گذر خودروهای کمک‌رسان که در چند روز از آنجا عبور کرده بودند، ایجاد شده بود. در راه شاهد روستاهایی بودم که برخی از آن‌ها سالم بودند. روستایی که در آنجا کار می‌کردیم، روستای نایب رفیع، هیچ آب آشامیدنی نداشت اما در راه، روستایی را دیدیم که چاه لوله‌کشی دارد و اهالی روستا می‌توانستند با تلمبه‌ای قدیمی، آب شرب مورد نیاز خود را تامین کنند. آن روستا سالم بود و کودکان در آنجا در حال بازی بودند. ما هم به همراه امدادگران دیگر، از خودروها پیاده شدیم. تا آبی به سروصورت بزنیم. بعد از آب نوشیدن، با بچه‌های روستا بازی کردیم و روز را با خنده و شادی بچه‌ها تمام کردیم. دو روز بعد، زلزله دیگری به قدرت ۶٫۴ ریشتری، در هرات رخ داد. به رسم اتفاقات هر روزه مأموریت در افغانستان، از روستاهایی که در آنجا در حال امدادرسانی بودیم، در حال بازگشت بودیم و مانند روزهای دیگر از جاده مالرو عبور کردیم و در راه به همان روستای دو روز قبل رسیدیم. روستا اما وجود نداشت. با زلزله‌ای که همان روز به وقوع پیوسته بود، با خاک یکسان شده و همه خانه‌ها ویران بود. هیچ کدام از اهالی روستا، آسیب جدی ندیده بودند اما دیگر خبری از خنده بچه‌هایی که دو روز قبل با آن‌ها بازی کرده بودیم، هم نبود؛ همه غمگین و افسرده، با

چشمانی گریان، خانه‌هایی را می‌دیدند که دیگر سقفی نداشت. آن روز به این فکر می‌کردم که فاصله خنده و شادی بچه‌های افغانستان چه قدر کوتاه است.

قناعت و دیگر هیچ

حامد سجدی - مسئول تیم امدادرسانی اعزام به مناطق زلزله‌زده

ساعت از یک نیمه شب گذشته بود و ما در حین امدادرسانی در روستای پشت خیمه بودیم. در آنجا همه خانه‌ها ویران شده بود و بسیاری از اهالی روستا، جایی برای زندگی نداشتند. یکی از خانواده‌ها ۱۰ نفر جمعیت داشت و خانه آن‌ها به کلی به تلی از خاک تبدیل شده بود. آن‌ها، همه ۱۰ نفر، زیر یک چادرش، نشسته بودند، اندازه چادر شب، به اندازه این اعضای خانواده نبود و زمانی که به آن‌ها اقلام ضروری و زیستی، مانند چادر، پتو، موکت و اقلام خوراکی دادیم، خیلی تشکر کردند. صبر و بردباری این خانواده پرجمعیت در حالی که بچه کوچک هم داشتند، برای من به شدت عجیب بود.

ودلی که دیگر آرام نمی‌گیرد

مجتبی پرکار - امدادگر اعزامی به مناطق زلزله‌زده افغانستان

در روستاهای افغانستان، همه خانه‌ها خراب شده بود و تقریباً، کمتر خانه‌ای را می‌شد پیدا کرد که سالم باشد. روز اولی که در مناطق زلزله‌زده حاضر شدم، فضا غم داشت و غم. ما که رسیدیم به منطقه، همه افرادی را که به دلیل زلزله جان خود را از دست داده بودند، روی زمین صف کرده بودند، تعداد بیشمار بود. مادر یکی از افرادی که در زلزله فوت شده بود، نوحه می‌خواند و همه گریه می‌کردند. فضا به شدت سنگین و غمگین بود. ما در این شرایط امدادرسانی کردیم. در شرایطی که بسیاری از افراد، ناراحت و غمگین، تنها نگاه می‌کردند و هیچ کسی، برای گرفتن اقلام ضروری خود، به سمت ما نمی‌آمد.

یادم است، در روستایی که ۱۸۰۰ نفر جمعیت داشت و ۸۰۰ نفر از اهالی روستا جان خود را از دست داده بودند، پیرمردی بود که مدام گریه می‌کرد. او ۷ نفر از اعضای خانواده‌اش را از دست داده بود و به شدت افسرده بود. او نیاز به حمایت روانی داشت و من هم با او صحبت کردم تا کمی آرام شود؛ با وجود حرف‌های من اما پیرمرد، آرام نگرفت. شرایط در زلزله به شدت سخت بود.

مسئولان حوزه آموزش و امداد و نجات از لزوم برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی بویژه سیلاب می‌گویند:

چرا از تکرار حوادث درس نمی‌گیریم؟



سمیرا صیدی | هم‌زمان با آن روزها که سیل، لیبی را شست و برد، بارانی چند ساعته، سیل خروشان را در شهر شمالی کشور «آستارا» راه افتاد. آن روزها، در زمانی که امدادگران جمعیت هلال احمر، در حال امداد رسانی به افراد متاثر از سیل بودند، همه از پیشگیری می‌گفتند. از این که اگر اقدامات لازم و مناسب تا قبل از وقوع سیل، انجام شده بود، بسیاری از ویرانی‌ها اتفاق نمی‌افتاد.

این داستان تکراری است، گرمای هوا، تغییر شرایط اقلیمی و بارش باران‌های سیل آسا، ذوب شدن یخ‌ها و تخریب جنگل‌ها و مراتع. همه این واژگان، با هم، حوادثی را رقم می‌زند؛ حوادث غیر مترقبه و گاه دهشتناک. سیل‌هایی که نباید در خارج از فصل خود رخ دهند اما تغییرات اقلیمی باعث می‌شود. این؛ اما همه آنچه که باعث بحران می‌شود، نیست. گاهی عدم توجه به اقدامات پیشگیرانه بویژه زمانی که جهان با پدیده تغییرات اقلیمی مواجه است، می‌تواند عمق حادثه و خسارات ناشی از آن را چند برابر کند.

آمادگی و مهارت کافی بر خوردار باشند.

پیشگیری مهم‌تر از آموزش

مر تضي مرادی پور معاون عملیات سازمان امداد و نجات هم در خصوص برنامه‌های آموزش همگانی می‌گوید: آموزش‌ها جزو ضروری‌ترین و زیرساخت‌های اصلی خدمات هلال احمر است اما تنها آموزش چاره کار در هنگام وقوع حوادث و سوانح نیست؛ بلکه توجه به مقوله پیشگیری خیلی مهم‌تر از آموزش‌های امدادی است. زمانی که یک ساختمان در جایی نامناسب و غیر استاندارد مثلاً در کنار رودخانه ساخته می‌شود آموزش‌های امدادی و حضور امدادگران ما در آن لحظه به هیچ عنوان تاثیر مثبتی نخواهد داشت و تنها درصد خیلی کمی را با خدمات خود می‌توانند پوشش دهند. اما با همه این توضیحات نه تنها ما هرگز ذره‌ای در آموزش‌های خود سستی نخواهیم کرد بلکه با قدرت و جدیت بیشتری بحث آموزش‌ها را پیگیری می‌کنیم تا بهترین امدادگران را پرورش دهیم. مدیریت توسعه شهری باید در کنار جمعیت هلال احمر باشد و شانه به شانه آن برای حفظ جان مردم حرکت کند؛ این

کبادی می‌گوید: «سیل در یک لحظه اتفاق می‌افتد و با خود همه چیز را می‌برد در صورتی که اگر از همان ابتدا اقدامات پیشگیرانه انجام می‌شد، از خسارات جانی و مالی زیادی نیز جلوگیری می‌کردیم.»

او توضیح می‌دهد که در هر شهر و روستایی و یا نه، در هر استانی، باید نقشه خطرپذیری آن منطقه، برای حوادث احتمالی وجود داشته باشد. برای وقوع سیل یک نقشه، برای وقوع زلزله و طوفان یک نقشه و برای هر بحرانی، یک نقشه راه باید تعریف شود. به طوری که در زمان بروز بحران، هر کدام از مسئولان منطقه‌ای بدانند، منطقه دارای چه ویژگی‌هایی است و برای مدیریت آماده باشند. کبادی می‌گوید که نقشه خطرپذیری باید در اختیار مردم محلی هم باشد تا بدانند که باید به چه نقاطی تردد نکنند. او توضیح می‌دهد که جمعیت هلال احمر به عنوان یکی از متولیان آموزش و پیشگیری از حوادث غیر مترقبه، همیشه به خط است و آموزش می‌دهد اما دستگاه‌های متولی هم باید دست به کار شوند و در امر پیشگیری و آموزش به کمک جمعیت هلال احمر بیایند. در زمان بروز بحران، مدیران، مسئولان و امدادگران هم باید از

رفتار انسانی؛ عامل موثر در افزایش خسارات حوادث

محمدحسین کبادی، مدیر امور پایگاه‌های سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر معتقد است که به جز تغییرات اقلیمی که بر شرایط جوی و بروز حوادثی مانند سیل، تاثیرگذار است، رفتار انسان‌ها هم موثر بر وقوع بحران‌های احتمالی است. او می‌گوید که طبق قانون، ساخت و ساز در حریم رودخانه ممنوع است، حال این که در بسیاری از شهرهای شمالی کشورمان ایران، به دلیل خشکسالی چند ساله و یا نه، به دلیل بی‌توجهی، خانه‌ای در حاشیه رودخانه و حتی در داخل حریم رودخانه ساخته می‌شود و زمانی که بارانی سیل آسا می‌بارد؛ آن خانه را شسته و با خود می‌برد. اتفاقی که می‌تواند با نظارت و توجه مسئولان عمرانی و شهرداری محلی روی ندهد. نظارت و توجه دستگاه‌ها و ادارات ذی‌ربط می‌تواند از این واقعه جلوگیری کند. هر چند که این اقدام برای به صفر رساندن خسارات ناشی از وقوع سیل، کافی نیست. حریم رودخانه نیاز به مراقبت دارد. لایه‌روبی و مشخص کردن حریم رودخانه با پوشش گیاهی، اقدامی است که توسط مسئولان محلی باید اتفاق بیفتد.



کشاورزی شده، می‌گوید: ما سعی کردیم این دوره را با حساسیت بیشتری برگزار کنیم تا شرکت کنندگان با دقت و توجه بیشتری مطالب را فراگیرند و نکات ریز و درشت را به خوبی درک کنند.

کشور بلکه در دیگر کشورها بهترین خدمات را ارائه دهند و این افتخار بزرگی برای خانواده هلال احمر است.

مرجع آموزشی هلال احمر با همه دنیا یکسان است

فایق عبدالله زاده مدیرکل آموزش‌های تخصصی توانمندسازی و مهارت‌افزایی جمعیت هلال احمر به برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی و بازآموزی سیلاب و دیگر آموزش‌های تخصصی با توجه به حادثه‌خیزی هر استان اشاره کرده و می‌گوید: در همه ایام سال دوره‌های آموزش همگانی از مبتدی تا آموزش‌های تخصصی در سراسر کشور همواره در حال برگزاری است و هرگز چراغ این آموزش‌ها خاموش و یا کم‌سو نخواهد شد. او می‌گوید: امسال اولین دوره آموزش تخصصی و بازآموزی سیلاب در اواخر تابستان ۱۴۰۲ ویژه مربیان سراسر کشور بعد از چند سال بود که امسال در استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد. این دوره را با استفاده از به روزترین امکانات، تجهیزات کمک آموزشی و متدهای آموزشی برگزار کردیم. ما در این دوره آموزشی یک دستگاه خودرو را در آب رها کردیم تا فراگیران نحوه صحیح خروج مصدوم را از داخل خودرو گیر افتاده در سیلاب به صورت عملی آموزش ببینند. انتخاب استان چهارمحال و بختیاری هم هدفمند بوده و ما بر خورداری و حادثه‌خیزی هر استان را در نظر می‌گیریم و بعد در رشته مد نظر برنامه‌ریزی لازم را برای برگزاری دوره انجام می‌دهیم.

عبدالله زاده به سیل‌های اخیر که در استان‌های شمالی کشور رخ داده و باعث ویران شدن بسیاری از ساختمان‌ها و محصولات

مجموعه هرگز نباید اجازه ساخت ساختمان را در میسر رودخانه دهد، همچنین باید رودخانه‌ها را لایروبی کند تا سیلاب‌ها اتفاق نیفتد و در پی آن خسارات جبران‌ناپذیری را بر جای بگذارد.

مرادی پور یکی از دلایلی را که اخیراً اولین دوره آموزش تخصصی و بازآموزی سیلاب ویژه مربیان سراسر کشور برگزار شده این می‌داند که مخاطرات جوی و اقلیمی تغییرات زیادی کرده است. او می‌گوید: ما در سال‌های گذشته هرگز بارش‌های غیرمتعارف تابستانی نداشتیم و همواره بارش‌ها در فصل پاییز و زمستان بوده است؛ اما متأسفانه طی سال‌های اخیر این بارش‌ها بسیار زیاد شده و باعث بروز خسارات جبران‌ناپذیری می‌شود. همین تغییرات جوی و اقلیمی لاجرم ما را به این مسیر هدایت می‌کند تا اطلاع‌رسانی‌ها و آموزش‌ها را در زمینه سیلاب بیشتر کنیم تا در زمان وقوع حادثه امدادگران پاسخگویی داشته باشیم.

البته برگزاری دوره آموزشی سیلاب به این معنی نیست که ما دیگر آموزش‌ها را فراموش کرده‌ایم؛ بلکه برگزاری دیگر دوره‌ها از ابتدایی که همان دوره امداد و کمک‌های اولیه است تا دیگر آموزش‌های تخصصی اعم از جاده، سیلاب، کوهستان، ساحلی و... را به امدادگران و نجاتگران در برنامه خود داریم. اما نکته‌ای که مهم و قابل ذکر است ما برنامه ریزی را براساس نیاز مردم و زمان مناسب خود انجام می‌دهیم؛ به اینگونه که اگر بارش‌های غیرمتعارف را فاکتور بگیریم دوره‌های آموزشی و بازآموزی مربوط به سیلاب را در اواخر تابستان که نزدیک به فصل پاییز و زمستان است و احتمال وقوع اینگونه حوادث بیشتر است؛ برگزار می‌کنیم. یا دوره آموزشی و بازآموزی جاده را نزدیک ایام عید که فصل سفر عموم مردم است و احتمال وقوع حوادث افزایش می‌یابد برگزار می‌کنیم.

برگزاری دوره‌ها بر اساس سامانه ثبت عملیات انجام می‌شود

او با اشاره به اینکه اکنون ما در زمینه آموزش کاملاً به روز هستیم، تأکید دارد که تنها آموزش در زمان وقوع حوادث راه‌گشا نیست و باید تجهیزات و امکانات به روز هم داشته باشیم که متأسفانه با توجه به تحریم‌ها خیلی از ست‌های نجات و دیگر دستگاه‌های امدادی ما به روز نیستند تا زمان وقوع حوادث امدادگران بتوانند بهترین خدمات را ارائه دهند. خرید این تجهیزات نیازمند حمایت‌های مالی است و تنها هلال احمر نمی‌تواند پاسخگو باشد و باید دولت هم بودجه‌ای را برای خرید در نظر بگیرد. البته مسئله مهم قابل ذکر این است که امدادگران و نجاتگران ما با همین امکانات و بودجه اندک هم همواره توانسته‌اند نه تنها در داخل





در ششمین سالگرد زلزله از گله سوال این است: چگونه یک سانحه به بحران تبدیل می شود؟

از زلزله تا ویرانی

شامگاه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ بود که اسرافیل در صور دمید و پس از آن قیامت، ساکنان سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی خود را در صحرای محشر دیدند درست همان لحظه که صدای ضجه و شیون عزیزانشان در گوش می دویید و مغز سر را پوک می کرد. اوضاع در از گله از این هم بدتر بود. این شهر تنها ۵ کیلومتر تا کانون زمین لرزه فاصله داشت. افشین علیخانی که چندسالی مدیر کل بهداشت و درمان هلال احمر است تعریف متفاوتی از «بحران» دارد. او می گوید هر بلای طبیعی یا انسان ساز که منجر به ویرانی یک منطقه، فوت افراد و مصدومیت آنها شود؛ «سانحه» است و ناتوانی ما در پاسخ سریع و مناسب به آن، یک سانحه را تبدیل به «بحران» می کند. در این گزارش می پرسم بحران زلزله آبان ۹۶ چگونه مدیریت شد؟

افزایش یافته است؟

اما سوال مهمتر این است، آیا باید همه اخلال ها را به نام مردم نوشت؟ آیا نهادهای دولتی و عمومی پیش از حوادث به وظایف خود عمل کرده اند؟ آیا فرهنگ سازی، فقط وظیفه معاونت آموزش در جمعیت هلال احمر است و نیازی به مداخله دیگر دستگاه های فرهنگی و رسانه ای نیست؟ آیا سیستم توزیع اقلام اضطراری توسط هلال احمر مناسب و کاراست و از امکانات علمی و نرم افزاری دنیای امروز بهره مند است یا خیر؟ آیا نهادهای امنیتی و انتظامی در عملیات توزیع اقلام به وظایف خود در خصوص برقراری نظم و امنیت در مناطق حادثه دیده عمل می کنند؟

مهدی ولی پور، رئیس پیشین سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر همان ابتدای گفت و گو تذکر می دهد که عدم همکاری مردم با امدادگران عمومیت ندارد و در بسیاری از مناطق، نوع همکاری مردم بسیار خوب، منظم و صمیمانه است و بعد پاسخ را معطوف به وظایف سازمان های دولتی و نظامی می کند: «مدیریت بحران شامل زنجیره ای از اتفاقات است و طبق قانون مدیریت بحران، ۲۹ دستگاه اجرایی به طور مستقیم موظف هستند؛ وظایف مختلف خود را انجام دهند. این یک چرخه است و هر بخش آن اگر کوچکترین ضعفی نشان دهد؛ در عملکرد همه مجموعه اثر می گذارد.»

بگذریم و فعلا از عوامل علمی و منطقی ایجاد این انتظارها و توقعات عبور کنیم و به حاصل و نتیجه این موضوع بپردازیم به دو مشکل بزرگ می رسیدیم: اول اینکه موجب شلوغ کاری و مداخله مردم در نظم توزیع اقلام امدادی می شود و در این آشفته بازار ممکن است عده ای که تمایل یا توان حضور در این بی نظمی را ندارند، از دریافت به موقع خدمات محروم شوند. یعنی اقلام امدادی به عده ای زیاده تر از نیاز داده شود و به عده ای دیگر نه فقط کم بلکه دیر به دستشان برسد. اشکال دوم هم استفاده غیر ضروری از اقلام امدادی است. تهیه این اقلام و تجهیز انبارها بسیار پرهزینه است. هلال احمر یک نهاد مردمی و عام المنفعه است که باید در مصارف خود بهره وری را مورد توجه قرار دهد. این خبر تلخی است که تعدادی از کامیون های اقلام امدادی مفقود شدند و بارشان توسط گروه هایی ربه شده و یک ماه پس از زلزله، آگهی فروش «چادر هلال احمر، نو و استفاده نشده» همه جا بود.

از فرهنگ سازی تا رسیدن به همکاری

اگر چه در همه حوادث در نقاط مختلف دنیا، درجاتی از بی نظمی و درهم ریختگی طبیعی است و نظم جاری از هم گسیخته می شود؛ اما، آیا مردم در همه دنیا ممکن است در نظام توزیع اقلام امدادی اختلال جدی ایجاد کنند؟ یا سطح همکاری و تعامل آنها در بسیاری از کشورها با فراگیری آموزش های مختلف و تعالیم حقوق شهروندی

این زلزله ۶۲۰ کشته و نزدیک به ۱۰ هزار مصدوم بر جای گذاشت. واژه کلیدی این بود «بی نظمی»، بی نظمی که ناشی از عدم هماهنگی دستگاه های عضو بود. نمونه اش بحران سوخت، شرکت پخش و پالایش فرآورده های نفتی در زمان هایی نتوانست به پمپ بنزین ها سوخت برساند چون روال اداری مرسوم در صدور حواله بارگیری و حمل، زمان بر بود. بسیاری از ساکنان روستاها و تعدادی از مقامات محلی معتقد بودند، هلال احمر نباید به ارزیابی دقیق و محاسبه درصد تخریب در نقاط مختلف توجه کند و باید فرض را بر خسارت بالا در تمام مناطق بگذارد و اقلام اضطراری، شامل بسته های زیستی و چادر اسکان را بی چون و چرا بین همهی مردم منطقه توزیع کند.

افزایش سطح انتظار مردم از دریافت کمک های اضطراری، موجب عدم همکاری آنها با امدادگران می شود. البته خاطرات امدادگران هلال احمر از حوادث بزرگی مثل سیل و زلزله نشان می دهد که این تجربه کم و بیش در خدمت رسانی به حوادث غیر مترقبه قبلی نیز مشاهده شده است. سلبریتی ها و تعدادی از فعالان اجتماعی از تهران تا کرمانشاه، خودشان دست به جمع آوری کمک های مردمی زده بودند و بدون برنامه ریزی مشخصی در حال توزیع اقلام در مناطق زلزله زده بودند تا جایی که موجب اخلال جدی در کار هلال احمر شده بود.

اگر از سهم رسانه های داخلی و خارجی در تغییر سطح توقعات افراد

نرم افزار توزیع اقلام و اسکان اضطراری جلو این سوء استفاده ها گرفته شود.

ضابطه مند شدن؛ نیاز امدادرسانی بهتر

شریفی سده در بخش دیگری از گفت و گو با پیام هلال می گوید: «باید از راه های مختلف، به خصوص رسانه های جمعی به مردم اطمینان خاطر داده شود که اقلام به میزان کافی وجود دارد و در اختیار همه آسیب دیدگان قرار خواهد گرفت. اینکار باعث می شود نگرانی مردم کاسته شود و در عملیات توزیع تجمع، ازدحام و مداخله نکنند.» اما چگونه می توان این اطمینان خاطر را به مردم داد که آنها در زمان بحران با صبر و آرامش، منتظر بمانند تا حمایت های هلال احمر به آنها برسد؟

او پاسخ می دهد: «باید یک ضابطه مشخص تعیین و مدام اعلام شود. یعنی مردم بدانند که براساس اطلاعات خانوار و یا کدملی افراد که در یک سامانه قابل رویت است، نام و خانواده آنها در فهرست کمک رسانی است و طبق این ضابطه در اولویت کمک های زیستی و اسکان اضطراری هستند. اگر موفق به تبیین و اعلام یک ضابطه مشخص شویم؛ مردم اطمینان پیدا می کنند که اگر از شلوغی و تجمع پرهیز کنند، نظمی حاصل می شود و کمک ها زودتر به آنها می رسد.»

حالا به نقطه آغاز این گزارش برمی گردیم. اگر سازو کار توزیع و امدادرسانی بهتر شود و دستگاه ها و نهادهای دولتی و عمومی نه تنها به وظایف خود آگاه باشند بلکه در تمرین، بازآموزی و مانورهای مختلف، تجربه عملی همکاری موثر در مدیریت بحران را به دست آورده باشند؛ می توان امیدوار بود که آموزش و فرهنگ سازی در فرایند اجتماع پذیری مردم کارآمد و موثر شود.

اما این آموزش ها در اغلب کشورهای جهان مرسوم است و باید توأمان با افزایش توانمندی بحران در کشور انجام شود. این برای جامعه ایران اهمیت بیشتری دارد. چون کشور ما در استعداد اغلب بلایای طبیعی، وضعیت قرمز را دارد.

مردم همانگونه عمل می کنند که آموزش دیده اند، یاد گرفته اند و در تجربه زیسته خود، رفتارهای آنها شکل گرفته است. اگر هدف ما تغییر رفتار در مردم است، باید همه نهادها و سازمان های مربوطه به کمک هلال احمر بیایند.



حمایتی خود را دریافت کرده اند و البته ما نیز مطمئن باشیم که هر خانوار مثلاً یکبار چادر اسکان گرفته است و از توزیع کالاها بیش از نیاز آنها جلوگیری شود.»

ولی پور رئیس پیشین سازمان امداد و نجات اما خبر خوشی می دهد و از آغاز به روزرسانی سازو کار توزیع اقلام و تست آزمایشی آن در ماه های گذشته می گوید: «نرم افزار توزیع اقلام و اسکان اضطراری سازمان امداد و نجات طراحی شده و در عملیات امدادرسانی سوانح اخیر مثل زلزله هرمزگان در زمستان ۱۴۰۰ مورد آزمایش قرار گرفت. این سامانه متصل به پایگاه های داده اطلاعات جمعیتی خانوار به تفکیک سالمندان، جوانان، زنان و کودکان است.»

گفته شده در زلزله ۱۳۸۲ بم تعداد زیادی از هموطنان ما که ساکن آن شهر بودند، جان باختند. تعدادی هم پس از تنهایی و مرگ اعضای خانواده به شهر دیگری برای سکونت مهاجرت کردند؛ اما جمعیت این شهر در زمان توزیع کمک های مسکن توسط دولت و بنیاد مسکن، به طور چشمگیری از تعداد جمعیت بم در قبل از زلزله بیشتر بود. معمولاً در چنین حوادثی افرادی که ساکن منطقه آسیب دیده نیستند، برای استفاده از کمک های حمایتی به آنجا می روند. این یکی از مشکلات همیشگی در توزیع اقلام امدادی و اسکان اضطراری هم هست. گاهی فرد تصور می کند اگر چادر هلال احمر را بگیرد؛ اسم خود را در لیستی ثبت کرده که می تواند امیدوار به دریافت تسهیلات مسکن باشد. حالا رئیس پیشین سازمان امداد و نجات امیدوار است با به کارگیری

میزان مداخله نهادهای دیگر در امدادرسانی

حمیدرضا اسکاش، معاون پیشین برنامه ریزی و آموزش های تخصصی سازمان امداد و نجات معتقد است: «مداخله نیروهای نظامی در عملیات توزیع اقلام امدادی به حادثه دیدگان بلایای طبیعی، گاه کمتر از حد لازم است و گاه آنقدر زیاد می شود که موجب اختلال در کار توزیع اقلام می شود.»

اسکاش می گوید: «سال ۱۳۹۶ در سرپل ذهاب و ازگله، ستاد مدیریت بحران کرمانشاه مصوب کرد که اقلام امدادی هلال احمر برای توزیع سریع در اختیار نیروهای نظامی قرار گیرد و این اتفاق افتاد. نتیجه اش هم ایجاد یک جو عدم اطمینان به هلال احمر بود و حضور بسیاری از سلب ریتی ها که اگر چه با دلسوزی در حال جمع کردن کمک بودند ولی باعث شدند؛ نظم امدادرسانی از هم پاشیده شود. وقتی چندین دستگاه در توزیع شرکت می کنند، سازو کار توزیع از دست می رود و پوشش نامتناسبی برای حادثه دیدگان ایجاد می شود. نیروهای نظامی بهتر است با ایجاد کریدور برای عبور محموله ها، خود به باز کردن و توزیع آنها اقدام نکنند تا هلال احمر بتواند کار خود را انجام دهد.»

بخش اقلام در بحران کار ساده ای نیست

مهراب شریفی سده، دکترای تخصصی سلامت در بلایا، از جمله مدیران هلال احمر است که سابقه حضور در عملیات های مختلف را دارد. او می گوید: «کار امداد و توزیع اقلام، فعالیتی تخصصی است. باید حرفه ای انجام شود و به آموزش های مداوم عملی و نظری نیاز دارد. نباید تصور شود بخش کردن اقلام کار ساده ای است و یک سر باز که تجربه امداد هم نداشته باشد می تواند آن را انجام دهد. عمده مشکلات عملیات پاسخ به سوانح به سیستم توزیع منسجم و منظم برمی گردد.»

پیشنهاد او این است: «باید از امکانات تکنولوژی روز استفاده کرد. سیستم توزیع در دنیا عوض شده است. می توان به پایگاه های دائمی و عمده داده های جمعیتی وصل شد و به خصوص با اتصال به داده های سازمان ثبت احوال و آخرین سرشماری های مرکز آمار ایران، سرپرستان خانوارهای مناطق آسیب دیده را به طور دقیق شناسایی کرد و با احراز هویت دیجیتال از آنها، مطمئن شد که اولاً این افراد ساکن منطقه تخریب شده هستند. دوم اینکه حتماً اقلام امدادی و



omidphotographer

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



هلال همدلی

رای شما

بله	61%
خیر	39%



مرور خاطرات با

برندگان چالش

«اگر جوانی و رفاقت عکس بود»

به مناسبت سالروز تاسیس سازمان جوانان؛ رقابتی خاطره انگیز در پیچ رسمی جمعیت هلال احمر در اینستاگرام و در قالب پست و استوری برگزار شد. پس از چند روز رقابت و با نظر مخاطبین، ۱۰ تصویر برتر رویداد «اگر جوانی و رفاقت عکس بود» انتخاب شدند. با منتخبین این رویداد که به مناسبت سالروز تاسیس سازمان جوانان برگزار شد، تماس گرفته و هدایای ایشان تقدیم می شود. شما هم می توانید با مراجعه به پیچ رسمی جمعیت هلال احمر در شبکه اجتماعی اینستاگرام به آدرس @iranian_rcs یکی از برندگان مسابقات آموزشی و چالش های جمعیت هلال احمر باشید.

helalahmar_bilehsavar

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



رای شما

بله	63%
خیر	37%

alizade747197



اگر جوانی و رفاقت عکس بود

@IRANIAN_RCS @HELAL_JAVANAN

رای شما

بله	80%
خیر	20%

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



pouria.rcs

رای شما

بله	60%
خیر	40%

ehrahim_.official

اگر جوانی و رفاقت عکس بود

اگر رفاقت و جوانی عکس بود



@iranian_rcs

رای شما

بله	67%
خیر	33%

helal.unijahrom

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



@iranian_rcs
@helal.javanan
@javanan.helal.ahmor.fars

رای شما

بله	62%
خیر	38%

hasanqavami

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



رای شما

بله	58%
خیر	42%

اگر جوانی و رفاقت عکس بود
۱۵ سال رفاقت ❤️

maryami_ra_80

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



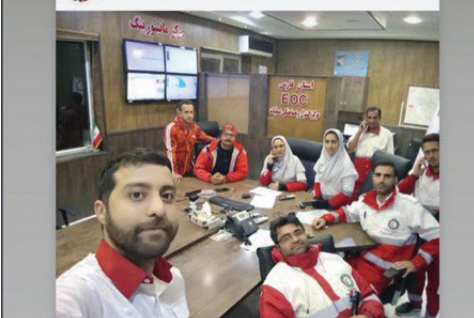
@IRANIAN_RCS

رای شما

بله	71%
خیر	29%

rostamii_samane

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



rostamii_samane در ۵ فروردین ۱۳۹۸ بر اثر بارندگی های شدید در شهر شیراز، سیل ناگهانی جاری شد....

رای شما

بله	67%
خیر	33%

mehdi_73ak

اگر جوانی و رفاقت عکس بود



@IRANIAN_RCS
@HELAL_JAVANAN

رای شما

بله	60%
خیر	40%

راه‌های ارتباطی

ሠ ዐ ዐ ዐ ሠ ሃ ዐ ዐ

نشریه پیام هلال در سری جدید انتشارش در نظر دارد در این صفحه صدای امدادگران، نجاتگران، داوطلبان و خلاصه همه مخاطبان این نشریه باشد. اگر شما به ما پیام بدهید و از مشکلات بگویید و پیشنهاداتان را مطرح کنید، ما آنها را منعکس می‌کنیم و در شماره‌های بعدی هم پاسخ مسئولان مربوطه را منتشر خواهیم کرد.



آیا برای نجاتگران راننده حق الزحمه ۱.۵ برابری پیش
بینی شده است؟

در دستورالعمل جدید ایاب و ذهاب پیش بینی لازم صورت گرفته است.

خواستم بدانم که هلال احمر با کدام شعبه بیمه تامین اجتماعی قرار داد بسته است؟

تفاهم نامه به صورت کلی با سازمان تأمین اجتماعی مرکز (تهران) منعقد شده است و به صورت یکپارچه حق بیمه پرداخت می شود.

در خصوص شیفت‌های امدادی لطفاً یک امتیاز ویژه برای افراد متاهل قرار می‌دهید؟

در این مرحله چون تفکیک نیروها کمی سخت است، برای افراد متأهل امتیازی در نظر گرفته نمی شود اما در سال آینده احتمالاً درج امتیاز وجود دارد.

سواقة، بسمه خودتان را دریافت کنید.

آیا اگر خواهران شیفت بدهند حقوق برادران کم خواهد شد از لحاظ بیمه به مشکل بر می خورند؟

برای نگهداشت نیروها ضرورت دارد تا از همه ظرفیت نیروهای داوطلب استفاده شود.

نیروهای شرکتی ادارات دیگر هم می توانند شیفت بدهند
یا فقط شامل نیروهای هلال احمر است؟

نیروهای شرکتی یا قرارداد ساعتی که به طور مستقیم از جمعیت حقوق دریافت می‌کنند، مجاز به دریافت هزینه اباب و دها از ردیف داوطلب نیستند.

چگونه اطلاعات امدادیار را می‌توان ویرایش کرد؟
در این مرحله ویرایش و تایید باید از سوی مسئول امداد یا رئیس شعبه انجام شود.

حالا: عواما، شب کتہ، در، با نگاہ ہا استفادہ مہ، شود؟

استفاده از عوامل شرکتی در شیفت پایگاه‌ها مجاز نیست و در صورت اثبات تخلف با آنها برخورد خواهد شد.

کشیك در خانه هلال می دهیم و با توجه به نبود نیرو از استان می گویند بیشتر از هفت روز شیفت ندهید تکلیف چیست؟

در حال حاضر کشیکی در خانه هلال مورد تأیید سازمان نیست و باید در بست های مصوب شیفت داشته باشید.

هزینه شیفٲ کمک مربیان آنست هم یک و نیم برابر است؟

بر اساس دستورالعمل‌ها در حال حاضر فقط مریبان آنست شامل
ضریب ۱.۵ حق الزحمه می‌شوند.

از چه طریقی از واریزی بیمه خود مطلع شویم؟
از طریق نرم افزار تامین من یا سایت تأمین اجتماعی می‌توانید

